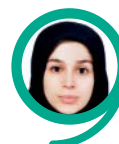


الو، یک، دو، سه!

معرفی تعدادی از خدمات سازمان بهزیستی کشور برای نوجوانان



معصومه حسن زاده

سازمان بهزیستی یک نهاد دولتی زیر مجموعه وزارت رفاه و تأمین اجتماعی ایران است که خدماتی را به افراد نیازمند جامعه از جمله برخی از کودکان و نوجوانان ارائه می دهد. به بهانه روز بهزیستی و تأمین اجتماعی یعنی ۲۵ تیرماه، مناسب دیدیم مروری داشته باشیم به برخی از خدمات این سازمان به ویژه بخشی که به نوجوانان هم مربوط می شود. و البته پیش از آن، یک خسته نباشید جانانه هم به همه مددکاران این سازمان می گوئیم.

طعم تلخ بی اعتمادی خانواده و جامعه، عرق سرد پشیمانی، آرزوی بازگشت به زمان قبل و رویای باز یافتن شان و منزلت از دست رفته، اموری نیست که هر فرد سالمی بخواهد حتی لحظه ای آن را به جای یک معتاد بهبود یافته برای شخص خود تصویر یا تجربه کند.

یکی از خدمات سازمان بهزیستی توانمند



سرخوشیم. با این وجود بهزیستی در این مورد خاص، یک برنامه اجرایی کند که برای جلوگیری از خیلی مشکلات قبل از وقوع بسیار مناسب است.

طرح اورژانس سعی می کند با مداخله اجتماعی و عاطفی و روانی، کاری کند که کار به جاهای باریک و مداخله پلیسی و جنایی و قضایی نکشد. دو فعالیت اصلی این طرح، یکی ارتقای آگاهی و شناخت خانواده و اجتماع نسبت به ریشه های معضلات اجتماعی است و دوم ایجاد تعامل با مجموعه های مختلف غیردولتی برای کمک به حل مشکلات مردم به ویژه افراد آسیب دیده. البته طرح اورژانس اجتماعی در مدارس هم فعال شده که در آن خود دانش آموزان به هم سن و سال هایشان کمک می کنند و نقش آگاه کننده را دارند.



شنیده ایم: «فردا با ولایت بیا». و خوب بیچاره ولی که باید جور کم کاری های همه ما را می کشید! از شوخی که بگذریم نقش والدین لااقل در مساله درس و تحصیل خیلی پررنگ است و چه قبول کنید و چه نه، در مساله تربیت خیلی خیلی پررنگ. ۲۵ هزار کودک و نوجوان بی سرپرست و بدسرپرست تحت حمایت بهزیستی هستند. کسانی که پدر و مادرشان را در اثر تصادف یا اتفاقات دیگر از دست داده اند یا به دلایل مختلف از حمایت، مراقبت و نگهداری موثر توسط خانواده محروم هستند و مورد غفلت خانواده (جسمی، روانی یا هر دو) قرار می گیرند. حالا سر درد دلتان باز نشود که به خدا ما هم آن جور که باید و شاید از این حمایت ها برخوردار نیستیم. خدایی باید قدر والدین را بدانید. دقیقاً مثل آن ماهی شده ایم که قدر آب را نمی داند تا وقتی خدای نکرده از آب بیرون بیفتد!

از قدیم گفته اند پیشگیری بهتر از درمان است. البته قدیمی ها خیلی حرف زدند که ما خدای نکرده هیچ توجهی به آن نمی کنیم و از این غفلت

بیشتر! به جز ۵/۵ درصد بچه های فوفول یا بیش از حد درس خوان یا شاید اید منظم؛ بقیه حتما این جمله را در مدرسه

درباره از دست دادن عزیزان و راه های مواجهه درست با آن

جای خالی را پر کنید

کردن در مورد مرگ یا دوست داشتن یک فرد در حال مرگ می تواند ترسی فلج کننده ایجاد کند. البته فکر کردن به مرگ خوب است. اما مساله آن است که این افکار ما را منفعل نکند. بلکه اتفاقاً بتواند موجب ایجاد انگیزه برای تغییرات مثبت در زندگی مان شود. برای رفع این حس بد، چند راه ساده پیش روی شماست.

الف) روی چیزهایی که کنترلش دست شماست سرمایه گذاری کنید؛ مثلاً اگر دیدید یکی از اطرافیان تان مریض است و خدای نکرده ممکن است از دست برود؛ وقت تان را که در دست شماست جدی بگیرید و برای او بودن و ثبت لحظات خوب در زندگی او تلاش کنید.

ب) قدر لحظه را بدانید؛ خیلی ها به خاطر ترس از دست دادن یک دوست، به جای این که رفتارشان را در زمان حال، یعنی قبل از این که او آنقدر از دست شان ناراضی شود که حاضر به ترکشان شود؛ تغییر دهند و کنترل کنند؛ با ترس از اتفاقی که هنوز نیفتاده در واقع زمینه را برای وقوع هر چه سریعتر آن فراهم می کنند.

بعضی آدم ها هستند که تقریباً همه ما بلدییم قدرشان را بدانیم. مثلاً کسانی که وقتی به آنها زنگ می زنیم یا پیام می دهیم، خیلی زمان نمی برد که جواب مان را می دهند. یا کسانی که هر وقت با آنها صحبت می کنیم قضاوت مان نمی کنند. آنهایی که برای کمک خواستن کافی است یک پیام برایشان بفرستیم. گرچه برای نبودشان در کنارمان هیچ فکری نکرده ایم. مخصوصاً همان دونفری که عادت کرده ایم صبح به صبح با صدایشان از خواب بلند شویم و بعد برویم در دنیای خودمان تا آخر شب و این وسط گاهی هم سراغ شان را بگیریم. این وضع ادامه دارد تا خدای نکرده زبانم لال روزی که آنها را از دست بدهیم.

ترس از دست دادن

شاید شما هم جزو کسانی باشید که همیشه نگران از دست دادن اطرافیان شان هستید. براساس تئوری مدیریت ترور، فکر

ندارد کسی در دنیای درونش را با قطرات اشک بروز دهد و خالی شود. اگر از اطرافیان داغ دیده ها هم بودید یا تان باشد که جلوی اشک آنها را نگیرید. البته اگر اشک تان نمی آید باز هم جای نگرانی نیست. چون هر فرد یک جور غصه اش را بروز می دهد.

ب) محبت دیگران را رد نکنید؛ یک رفتار غلط که بین خیلی ها رایج شده این است که می گویند ما دنبال این که کسی برای ما ابراز ترحم کند نیستیم. و خوب به همین بهانه هیچ محبتی را قبول نمی کنند. گرچه برخی هم فکر می کنند لابد دوستم حوصله این میزان غم و غصه مرا ندارد. در حالی که باید باور کنید دوست شما دقیقاً دنبال این است که به شما محبت کند و حالتان را خوب تر کند.

